

شیخ مفید؛ ستیغ افراشته حق و فاتح میدان مبارزه

راهنما: سعیده همایونی

نویسندگان: نصراللهی، فخرایی، مردانی، شاهبنده

فاطمیه نجف آباد استان اصفهان

چکیده

شیخ مفید با فهم نیرومند و نظر دقیق و دل نترس و زبان باز و بیان زیبای خود، بر همه چهره و پیروز می شد. شیخ مفید که در فقه و حدیث و کلام سرآمد اندیشمندان و متفکران عصر خود و چهره برتر در اعصار دیگر است برای مناظرات ارزش والایی قائل است و این ارزش را با شواهدی از قرآن و سنت به اثبات می رساند. مناظرات شیخ برای متکلمان متحجر و متعصب سخت و سنگین بود، ولی برای توده های انسانیهای حق جو و جستجوگر راهگشا و آموزنده بود. او مناظره هایی درباره اعتبار فقه اهل بیت و لزوم پیروی از آنان دارد و در این احتجاجات رویگردانی مخالفین از فقه اهل بیت را ابطال میکند. شیخ مفید دستور مشورت برای پیامبر اکرم(ص) را هم در جهت تالیف قلوب و نیز تادیب یاران حضرت می دانست تا در هنگام تصمیم گیری بتوانند به مشورت پردازند و هم در جهت شناسایی افراد منافق و امتیاز آنان از افراد مخلص توسط پیامبر استفاده کنند. او نهی ائمه(ع) از بحث و مناظره را اختصاص به افرادی دانسته است که روش صحیح ان را نمی دانستند. مناظرات شیخ مفید از مهمترین و حساسترین فرازهای زندگی اوست و با تامل در این مناظرات است که به احاطه گسترده او بر منابع اسلامی، قوت و قدرت استدلال، نقش عظیم وی در دفاع از مبانی تشیع و ... می توان دست یافت. نظر شیخ مفید در مقام احتجاج با مخالفان این بود که: حضرت علی(ع) در هیچ مورد و شرائطی برای رسیدن به حقیقت به سراغ انتخاب مردم نرفت و دعوت به بیعت پس از قتل عثمان نیز فقط برای اقرار مردم به اطاعت از آن حضرت و یاری کردن او بود. طلاب جوان باید آثار بزرگان سلف امثال شیخ مفید و سیدمرتضی را به دقت بخوانند و مباحث عنی و پرماده آنها را از نظر بگذرانند و بدانند که روحیه عهدی ای که از مطالعه کتب آنان به دست می آید، از کمتر کتابی حاصل میشود. طلبه امروز باید بداند که وارث کیست و برجای چه کسی تکیه زده است و از زبان چه کسی سخن

میگوید. طلاب جوان باید افقهای بحث و تفکر را در مقابل خود گشوده ببینند و از مواجهه آگاهانه با افکار دیگران هراسی نداشته باشند و گمان مبرند که روح تعبد دینی با تحقیق و تفحص منافاتی دارد. زندگی پر افتخار شیخ مفید گواه آنست که او نبض تفکر جامعه خود را بدست داشت و حتی قبل از طرح و ایراد شبهه از سوی دیگران، خود را برای جواب مهیا می ساخت. نظر امام خمینی نیز این بود که حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث مهبیای عکس العمل مناسب باشند.

واژگان کلیدی: شیخ مفید، بحث، مناظره، اصول عقاید، مسائل فقهی، ولایت، امامت

مقدمه

... فرهنگ تشیع در دهه های آخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم، به وسیله او درخشیدن گرفت و طاق بلند معارف شیعه از او آیین یافت.

او بیشتر روزگارش را به ترویج مذهب و دفاع از حق و مبارزه علمی با مخالفان ازمعتزله، مرجئه، اشاعره، خوارج و... و نیز فرقه های مختلف شیعه مانند زیدیه، واقفه و... گذراند.

در آن روزگار، شهر بغداد که مرکز کشور پهناور اسلامی بود، پر بود از طرفداران مذاهب گوناگون یاد شده و صاحب نظران و بحث آفرینان آن فرقه ها و همواره مجالس گفتگو میان آنان دایر بود و مجامع بحث و درگیری، یکی پس از دیگری برپا می گشت و بسیار میشد که این مجالس در نزد خلفا و دیگر صاحبان نفوذ و قدرت تشکیل می یافت و ارباب نظر و علمای اعتقادات حاضر میشدند و درباره مسائل اختلافی و عقاید مذهبی و همچنین دیگر مسائل اصول و فروع به گفتگو و مجادله می پرداختند.

در همه این مجالس و محافل چون شیخ حاضر می گشت و مناسبت پیش می آمد، وارد میدان بحث میشد و درباره مذهب تشیع با همه آنان به مناظره می پرداخت و درگیر می گشت و اشکالات همه را رد می کرد و به هر ایرادی که بر شیعه داشتند پاسخ می گفت و از یکایک نظرات مذهبی دفاع می نمود و با فهم نیرومند و نظر دقیق و دل نترس و زبان باز و بیان زیبایی که داشت، بر همه چیره و پیروز می گردید.

برای ارائه گزارشی از مناظره ها و احتجاج های شیخ مفید هر چند که قلم در این باب قاصر و مجال برای چنین امر مهمی اندک است و چون عرض ارادت به پیشگاه این مشعل فروزان هدایت لازم می بود ، نتوانستم این نوشتار در سه بخش تنظیم شده است:

۱- ارزش بحث و مناظره از دیدگاه شیخ مفید

۲- شیخ مفید قهرمان مناظره

۳- گزارش گونه ای از مناظره های شیخ مفید

ارزش بحث و مناظره از دیدگاه شیخ مفید

مناظره و احتجاج در مسائل دینی گفت و گو و بحث با پیروان مذاهب مختلف از دیدگاه اهل نظر دارای ارزش متفاوتی است برخی آن را نپسندیده و بلکه محکوم و زشت میدانند و عده ای دیگر آن را وسیله ای برای اثبات حق و رفع شبهات تلقی کرده و از آن ترویج می کنند

ابوعبدالله بن نعمان-معروف به شیخ مفید -که در فقه حدیث و کلام سرآمد اندیشمندان و متفکران عصر خود و چهره برتر در اعصار دیگر است برای مناظرات دینی ارزش والایی قائل است. و این ارزش را با شواهدی از قرآن و سنت به اثبات میرساند.

وی در تصحیح الاعتقاد می نویسد:

جدال دو گونه است: یکی جدال به حق که بدان امر شده و تشویق گردیده و دیگری جدال به باطل که از آن نهی شده است ، خداوند به پیامبرش فرمود: *و جادلهم بالتی هی احسن*.^۱

و به این وسیله او را به جدال با مخالفین دستور داد که جدال او البته حق است و خداوند به همه مسلمانان فرمود: *و لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن*^۲ و آنها را از جدال قبیح نهی ، و نسبت به جدال حسن ،

۱ . سوره نحل، آیه ۱۲۵

۲ . سوره عنکبوت، آیه ۴۶

اجازه فرمود. و خداوند از قوم نوح (ع) و جدال آنها در قرآن حکایت فرموده است: قالو یا نوح قد جادلتنا فاکثرت جدالنا.^۳

پس اگر جدال بطور کلی باطل و ممنوع بود نه خداوند پیامبر را به آن دستر میداد و نه انبیا دیگر جدال میکردند و نه مسلمانان اجازه آن را داشتند.^۴

این بحث و استدلال از شیخ مفید، نقدی بر کلام شیخ صدوق که با نقل این روایت از امام صادق (ع): یهلک اهل الکلام و ینجو المسلمون^۵ نجات را در تسلیم و رها کردن بحث و مناقشه دانسته است.

شیخ مفید، علاوه بر آنکه به آیات دیگری نیز در این زمینه استشهاد میکند، سیره ائمه و بزرگان امامیه را بر همین روش میدانند:

و ما زالت الائمة علیهم السلام یناظرون فی دین الله سبحانه و یحتجون علی اعداء الله تعالی و کان شیوخ اصحابهم فی کل عصر یستعلمون النظر و یعتکدون الحجاج و یجادلون بالحق و ید مغون الباطل بالحجج و البراهین و کانت الائمة یحمدونهم علی ذلک و یمدونهم و یثنون علیهم

سپس شیخ این روایات را نقل میکند:

۱- امام صادق (ع) به یونس بن یعقوب فرمود: دوست داشتم که تو، توان بحث و مناظره داشته باشی

۲- امام کاظم به محمد بن حکیم فرمود: با مخالفین سخن بگو برایشان عقاید حق خود و گمراهی آنها را آشکار ساز.

۳- امام صادق (ع) پس از پاسخ به سوال هشام بن حکم درباره اسماء الله فرمود: آیا آنگونه فهمیدی که بتوانی ملحدین را کنار بزنی و شبهات آنها را باطل کنی؟

و بالخره شیخ اینگونه نتیجه گیری می کند که:

۳. سوره هود، آیه ۳۲

۴. تصحیح الاعتقاد، ص ۵۳

۵. بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۳۲

نهی الاثمه از بحث و مناظره ، اختصاص به افرادی داشته است که روش صحیح آن را نمی دانستند و لذا ورود آنها در این کار باعث تباهی دیگر از اصحاب بوده و..... فعلم بما ذکرناه ان النظر هو الحق و المناظره بالحق صحیحه و ان الاخبار التي رواها ابو جعفر رحمه الله وجوهها ما ذکرناه و ليس الامر في معانيها على ما تخيله فيها.^۶

شاگرد برومند شیخ سید مرتضی علم الهدی می گوید به استادام گفتیم :

معتزله وحشویه براین گمانند که مناظره کردن ، بر خلاف اصول امامیه و اجماع آنهاست ، چون آنها مناظره را از دین ندانسته و از آن نهی میکنند آیا درباره صحیح بودن این کار از ائمه علیهم السلام روایتی به شما رسیده است؟ و یا بواسطه ادله عقلی ، این روش را قبول دارید هرچند که اجماع اصحاب هم برخلاف آن باشد؟

شیخ مفید در پاسخ فرمود :

معتزله وحشویه در نسبتی که به ما می دهند اشتباه می کنند ، و از امامیه هم هرکس چنین ادعایی داشته باشد خطا کار بوده و تجاهل کرده است ، زیرا فقهای امامیه و بزرگان آنها ، مناظره می کردند و این روش را قبول داشتند ، و پس از آنها هم همین روش را قبول داشتند و پس از آنها هم همین روش ادامه یافته است و من در کتاب الکامل فی علوم الدین و در کتاب الارکان فی دعائم الدین این مطلب را بصورت مبسوط مطرح نموده ، و اسامی معروف ترین علما اهل بحث و نظر ، همراه ستایش ائمه از ایشان و تمام کتابهایشان را ذکر کرده ام و دراین فرصت یکی از این روایات را برای نقل میکنم : امام صادق به محمد بن نعمان فرمود :

خاصموهم و بینوالهم الهدی الذی انتم علیه و بینوالهم ضلالهم و بالهلوههم فی علی علیه الاسلام.

به نبرد فکری با آنان برخیزید ، و هدایت خویش و گمراهی آنان را برایشان روشن کنید در مورد حضرت علی (ع) با آنها مباحله کنید^۷ بیانات شیخ در پاسخ به سید مرتضی و هم چنین آنچه را در تصحیح الاعتقاد ذکر نموده است ، نمایانگر آن است که شیوه بحث و احتجاج در مسائل دینی ، مورد قبول و رضایت عده از شیعیان نبوده است و حتی برخی ورود در این گونه مباحثات را بر شیخ خرده می گرفتند .

^۶ . تصحیح الاعتقاد، ص ۵۵-۵۷

^۷ . الفصول المختاره من العیون و المحاسن، ص ۲۸۴

شیخ: آیا اهل بیت هم داخل این اجماع است و یا آنها را بیرون گذاشته اید؟

معتزلی: آنها در پیشاپیش فقهایند، و اگر آنچه را که از آنها روایت میکنی، صحیح باشد، ما مخالفت نمیکنیم.

شیخ: آنچه را که تو میگویی برایم تازگی دارد، زیرا شما بر خلاف امیرالمومنین در بسیاری از موارد نظر میدهید، و در این صورت از مخالفت با ذریه او چه بآک دارید؟

معتزلی: هرگز چنین نیست و هیچیک از فقهاء اینگونه عمل نمیکنند.

شیخ: حتما چنین است و برهان و استدلال آنرا خواهم گفت.

سپس شیخ به حاضران در مجلس خطاب کرد: از نظر پیشوایان و فقها این معتزلی تردیدی نیست که:

((ممکن است در مسئله ای علی بن ابی طالب اشتباه کند، ولی عمروعاص درست بفهمد.))

حاضران، از اینکه کسی چنین اعتقادی داشته باشد، ابراز تنفر و برائت کردند و معتزلی هم منکر چنین اعتقادی شد. شیخ از آن معتزلی پرسید: آیا شما نمیگوئید که علی (ع) مظلوم نیست.

معتزلی: آری

شیخ: پس چرا امکان خطاء در احکام و نظرات او وجود ندارد؟ (معتزلی سکوت میکند)

شیخ: آیا نمیگوئید که در بسیاری از احکام حضرت علی (ع) اجتهاد میکند، و ابو موسی اشعری، عمر و عاص و مغیره بن شعبه هم مجتهدند؟

معتزلی: آری

شیخ: پس چه مانعی دارد که اینان در اجتهاد خود به واقع رسیده اند و حضرت نه

معتزلی: ممکن است

شیخ: آنچه را که انکار میکردی اعتراف کردی

شیخ در ادامه این مناظره به ذکر مواردی از مخالفت فقهاء عامه ، با احکام امیرالمومنین می پردازد و در پایان میگوید :از نظر شما ، اگر حضرت علی (ع) مسئله ای را از پیامبر نقل کند ، مانند دیگر افرادی که به ظاهر عدالت دارند ، پذیرفته میشود، در این قسمت شما حضرت را در کنار ابی هریره و ابی موسی قرار داده اید ، و بلکه در کنار هر حمالی که ظاهر العداله بدانید.

و می گویند : اگر حضرت علی (ع) مسئله را بدون استناد به پیامبر بگوید ، اجتهاد خود او خواهد بود ، و ما میتوانیم درباره خطا و ثواب آن بحث کنیم و اگر درست تشخیص دادیم عمل میکنیم و اذا رأى خودتان را ملاک عمل به قول امیرالمومنین قرار داده اید، و این رویه رد و مخالفت با پیامبر است که فرمود : علی مع الحق و الحق مع علی یدور معهما حینما دار و.....^{۶۹}

شیخ مفید مناظره دیگری نیز درباره فقه اهل بیت با برخی معتزله دارد که در کتاب العیون و المحاسن نقل شده است .^{۷۰}

۲- متعه

درباره متعه نیز شیخ مفید منظرهات متعددی دارد، یکی از این مناظره ها در خانه یکی از نیروهای دولتی ، یا ابن لؤلؤ، از بزرگان اسماعیلیه ، انجام گرفته است در این احتجاج شیخ برای جواز متعه به ظاهر قرآن و اجماع امت بر اذن پیامبر بر متعه ، و اجماع اهل بیت بر حلیت آن تمسک کرده است و بر این نکته تاکید کرده است که برای اینکه نسبت به فرزند احتمالی خود از متعه مشکلی در آینده وجود نداشته باشد ، باید فرد مورد اطمینانی را در جریان بگذارد تا وی اطلاع از ازدواج او داشته باشد .

در این بحث شیخ این سوال را مطرح میکند که چرا امامیه بخاطر فتوی به جواز متعه که با ظاهر قرآن و سنت پیامبر موافق است ، مورد اعتراض قرار می گیرند ولی پیشوایان عامه ، همچون ابو حنفیه و شافعی بخاطر فتاوی ضد قرآن و خلاف اجماع مورد اعتراض نیستند؟!

مگر ابو حنفیه نمی گوید: ((لو ان رجلا عقد علی امه عقد النکاح و هو یعلم انها امه ثم وطئها لسقط عنه الحد و لحق به الولد))

^{۶۹} . الفصول المختاره، ص ۹۷-۱۰۰

^{۷۰} . همان، ص ۱۵۷

و مگر نمی گوید: اذ الف الرجل علی حلیله حریره ثم اولجه فی قبل امرأ لیست له بمحرم له حتی ینزل لم یکن زانیا و لا وجب علیهما الحد.

و مگر شافعی نمی گوید: ((اذا فجر الرجل بأمره فحملت منه فاولدت بنتا فانه یحل للفاجران ان یتزوج بهذه الابنة و یطاهها و یولدها))

چرا چنین منکراتی را مطرح می کند؟ و چرا در برابر این منکرات به یکدیگر اعتراض نمی کنند؟ و چرا در آنچه که مطابق کتاب و سنت و اجماع است بر شیعه خرده گیری دارند؟^{۷۱}

در این موضوع شیخ مفید در دو مجلس با ((ابوالقاسم الدارکی)) نیز بحث و مناظره دارد.^{۷۲}

۳ سه طلاق در یک مجلس

شیخ در این باره در منزل دوست خود ابی الهذیل با ابوطاهر و ابوالحسن جوهری مناظره کرده و دلیل بطلان نظر مخالفین را مطرح ساخته است^{۷۳}

۴ عده طلاق

شیخ به تبعیت از فضل بن شاذان این اشکال را بر فقهای عامه مطرح کرده است که ممکن است یک زن مسلمان در یک روز به همسری ده نفر در آید و هر یک از آنها با وی ازدواج نمایند در حالیکه چنین مطلبی مسلما از نظر اسلام زشت و منکر است.

سر این اشکال به فقهای عامه آن است که آنان خلع و طلاق و ظهار را در حیض جایز می دانند^{۷۴}

۵ ارث

با بودن فرزند هر چند تنها یک دختر ارث به برادر یا عموی میت نمی رسد در این مسئله چگونه مخالفین اعتراض داشته اند با شیخ مناظره نموده اند^{۷۵}

^{۷۱} . همان، ص ۱۲۰

^{۷۲} . همان، ص ۱۲۳-۱۲۶

^{۷۳} . همان، ص ۱۳۴

^{۷۴} . همان، ص ۱۳۷

^{۷۵} . همان، ص ۱۳۱

نتیجه گیری

طلاب جوان و سخت کوشی و با اخلاص حوزه امید های فردای جهان اسلام و وارثان به حق شیخ مفیدند شیخ مفید در قرن چهارم هجری رسالت دفاع از مکتب را به خوبی انجام داده و دفاع عالمانه او برای مکتب افتخار ها به ارمغان آورد و اینکه بازهم اسلام شیخ مفید می طلبد. شیخ مفیدی متناسب با پانز دهم مفیدی با درک صحیح از نیاز های این قرن و با شناخت از اصول مبانی مکتب و با حضوری آگاهانه در صحنه تفکر این عصر و در مصاف با نحله ها و کتاب های بزرگان سلف امثال شیخ مفید و سید مرتضی را بخوانند و مباحث غنی و ژر مایه آن کتابها را دید دقیق از نظر بگذرانند و بدانند که در روحیه علمی ای که از خواندن کتب بزرگان قدیم بدست می آید از کمتر کتابی دیگر بدست می آید و از این رهگذر متذکر شوند که حوزه در گذشت از چه غنا و عمقی بر خوردار بوده است سلف صالح در چه شرایط دشوار و سنگینی چا با موفقیت رسالت خویش را انجام داده است.

طلبه امروز برای اینکه بدانند چه وظیفه ای بر عهده دارد باید بدانند که وارث کیست؟ و به جای چه کسی تکیه زده است و از زبان چه کسی سخن میگوید؟

ثانیا طلاب جوان باید افق های بحث و تفکر را در مقابل خود گشوده ببینند و از مواجهه آگاهانه با افکار دیگران هراسی نداشته باشند و گمان میبرند که (روح تعبد دینی) دبا (تحقیق تفحص) منافقانی دارد و باید سیره و شیوه شیخ مفید را دنبال کنند که با همه قدس و تقوی و تعبد در مقام بحث و مناظره به ارائه استدلال می اندیشید و ژيوسته بدنبال آن بود که با ((برهان)) بپذیرد و در قالب ((برهان)) افکار و عقاید خود را عرضه بدارد تا انسان های حق طلب بر ((قبول)) ناچار و افراد عنود بر ((سکوت)) مضطر شوند.

ثالثا زندگی پر افتخار شیخ مفید گواه آن است که او نبض تفکر جامعه خود را به دست داشته و حتی قبل از طرح و ایراد شبهه از سوی دیگران خود را برای جواب مهیا میساخت و گاه در مباحثه و مناظره پس از جواب همه ایراد ها میگفت)) در این مساله ایراد قوی تری وجود دارد که هنوز به ذهن شما و هیچ کس دیگر نرسیده است و سپس خود به طرح و پاسخ آن می پرداخت حضور عینی حوزه در صحنه تفکر جامعه به چنین خصیصه ای بستگی دارد و همانگونه که رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی فرمودند: حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نهیار آینده جامعه و آینده را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند

قدم جلوتر از حوادث مہیای عکس العمل مناسب باشند^{۷۶} تردیدی نیست کہ اگر حوزه توان خود را بہ کار گرفته و شیوہ سلف صالح را تداوم بخشد همچنان مہد تر بیت شیخ مفید ہا خواهد بود.

^{۷۶} . صحیفہ نور، ج ۲۱، ص ۱۰۰